



## The Impact of Sports Sector Development on Social Welfare Considering the Threshold Role of Government Oil Revenues: The Case of Selected Oil Countries

<b>Mustafa Khaleel Mohammed Bahiya</b>	Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
<b>Hossein Sharifi Renani *</b>	Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
<b>Munaf Marza Neama Radi</b>	Assistant Professor of Economics, University of Al-Qadisiyah, Al-Diwaniyah, Iraq
<b>Saeed Daei-Karimzadeh</b>	Associate Professor of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran,

### Abstract

Sport has long been recognized as one of the main components of physical activity that significantly contributes to individual health and social welfare. Among them, there are factors that can affect this relationship, including oil revenues. Accordingly, the main purpose of this study is investigate the impact of sports sector development on social welfare, considering the threshold role of oil revenues in selected oil-producing countries. To test the research hypothesis, macroeconomic information from 15 oil-exporting countries was used during the period 2012 to 2023. Given the mixed nature of the data, multiple regression using pooled data with the PSTR approach was used to test the research hypotheses. The research findings show that in the first regime and when oil revenues are less than 0.44, the sports sector development variable has a positive effect on the social welfare variable, with a coefficient of 0.15, while in the second regime and when oil revenues are more than 0.44, the sports sector development variable has a positive effect on the social welfare variable, with a coefficient of 0.39. Other findings also showed that per capita income and government size have positive and significant effects on social welfare, and inflation and exchange rates have negative and significant effects on social welfare. Therefore, it can be concluded that if oil revenues increase above their threshold values, the effect of sports sector development on social welfare will be strengthened.

**Key words:** Sports Sector Development, Oil Revenues, Social Welfare, Selected Oil Countries.

\* Corresponding Author: E-mail: [h.sharifi@khuisf.ac.ir](mailto:h.sharifi@khuisf.ac.ir)

**How to Cite:** Mohammed Bahiya M. K, Sharifi Renani H, Neama Radi M. M, Daei-Karimzadeh S. The Impact of Sports Sector Development on Social Welfare Considering the Threshold Role of Government Oil Revenues: The Case of Selected Oil Countries, Journal of Innovation in Sports Management, 2025; 3(4):97-115.



## تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش آستانه‌ای درآمدهای نفتی دولت: مورد کشورهای منتخب نفتی<sup>۱</sup>

مصطفی خلیل محمد بهیه | دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
حسین شریفی رنانی\* | دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
مناف مرزه نعمه راضی | دانشیار اقتصاد، دانشگاه قادسیه، دیوانیه، عراق  
سعید دائی کریم زاده | دانشیار اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

### چکیده

ورزش از دیرباز به عنوان یکی از اجزای اصلی فعالیت بدنی شناخته شده که به طور قابل توجهی به سلامت فردی و رفاه اجتماعی کمک می‌کند. در این بین عواملی وجود دارد که می‌تواند بر این رابطه اثر داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به درآمدهای نفتی اشاره داشت. بر همین اساس، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش آستانه‌ای درآمدهای نفتی در کشورهای منتخب نفتی است. جهت آزمون فرضیه‌ی پژوهش از اطلاعات کلان اقتصادی ۱۵ کشور صادر کننده نفت طی دوره زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۳ استفاده شده است. با توجه به ماهیت ترکیبی داده‌ها، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون چندگانه با استفاده از داده‌های تلفیقی با رویکرد PSTR بهره‌گیری شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد در رژیم اول و زمانی که درآمدهای نفتی کمتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر توسعه بخش ورزش اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۱۵ می‌باشد در حالی که در رژیم دوم و زمانی که متغیر درآمدهای نفتی بیشتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر توسعه بخش ورزش اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۳۹ می‌باشد. دیگر یافته‌ها نیز نشان داد که درآمد سرانه و اندازه دولت اثرات مثبت و معنادار بر رفاه اجتماعی و نرخ تورم و نرخ ارز اثرات منفی و معنادار بر رفاه اجتماعی داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در صورت افزایش درآمدهای نفتی در سطحی بالاتر از مقادیر آستانه‌ای آن، اثر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی تقویت خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: توسعه بخش ورزش، درآمدهای نفتی، رفاه اجتماعی، کشورهای منتخب نفتی.

<sup>۱</sup> مقاله حاضر برگرفته از رساله دوره دکتری تخصصی است.

\* نویسنده مسئول: E-mail: h.sharifi@khuisf.ac.ir

محمد بهیه مصطفی خلیل، شریفی رنانی حسین، نعمه راضی مناف مرزه، دائی کریم زاده سعید، تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش آستانه‌ای درآمدهای نفتی دولت: مورد کشورهای منتخب نفتی، فصلنامه نوآوری در مدیریت ورزشی، زمستان ۱۴۰۳، ۳(۴): ۹۷-۱۱۵.

## ۱. مقدمه

افراد به دلایل مختلفی از جمله لذت، بهبود وضعیت جسمانی، ارتقای سلامت و ایجاد حس خوب به ورزش و فعالیت‌های بدنی می‌پردازند. ترویج و توسعه ورزش، برای کمک به افراد در دستیابی به این اهداف به خودی خود حائز اهمیت است؛ اما علاوه بر فواید شخصی، دلایل دیگری نیز برای تشویق به ورزش و فعالیت بدنی وجود دارد. ورزش به‌عنوان یک نهاد واقعی با قوانین خاص و سازوکارهای عملیاتی داخلی شناخته می‌شود. اگر ورزش به‌عنوان فعالیت بدنی برای اهداف تفریحی یا به‌عنوان ابزاری درمانی استفاده شود، می‌تواند ارزش‌های مثبتی را به همراه داشته باشد. (باربو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

وقتی صحبت از صنعت ورزش می‌شود، که به گفته بسیاری از متخصصان به محصولی تبدیل شده است که هدف آن فروش سودآور تا حد امکان است، همه‌چیز به سمت مفهومی متفاوت حرکت می‌کند. در اقتصاد مدرن، توسعه بخش ورزش به‌طور مستقیم به فعالیت‌های اقتصادی کمک می‌کند و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای ایجاد طیف وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی و اقدامات اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، این بخش می‌تواند به‌عنوان یک عامل انگیزشی قوی برای افراد و گروه‌های مختلف عمل کند. به‌طور خلاصه، توسعه بخش ورزش و انجام فعالیت‌های بدنی می‌تواند اثرات اقتصادی، اجتماعی و رفاهی عمده‌ای به‌ویژه در سطح محلی یا منطقه‌ای داشته باشد. (دلویت<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰).

امروزه، چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی، اهمیت توسعه هماهنگ جوامع بر اساس استفاده از اصول اقتصاد نوآورانه به‌طور فزاینده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در نتیجه، نقش عوامل اجتماعی در رشد و رفاه اقتصادی نیز افزایش یافته است (سیتینکو و بکوان<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳). از این منظر، فعالیت‌های ورزشی از اهمیت پتانسیل اجتماعی بالایی برخوردارند. بر همین اساس، توسعه بخش ورزش برای حیات سیاسی-اجتماعی کشورها بسیار اهمیت دارد و می‌تواند به ارتقای رفاه اجتماعی کمک کند. افزون بر این، بسیاری از صاحب‌نظران بر این

باورند که یکی از علل اصلی فقر و نابرابری درآمد و کاهش رفاه، کمبود سرمایه و عدم انباشت آن در کشورهای فقیر و توسعه‌نیافته است. این مشکل، کشورهای مذکور را از انجام اصلاحات ضروری برای بازسازی و تجدید ساختارهای اقتصادی بازمی‌دارد. در حالی که درآمدهای عظیم حاصل از منابع طبیعی مانند نفت باید موجب ایجاد ثروت برای جامعه، بهبود فرآیندهای اقتصادی، کاهش فقر و افزایش رفاه شود، تجربه بسیاری از کشورهای صادرکننده نفت عکس این امر را نشان می‌دهد. بسیاری از این کشورها با وجود منابع طبیعی غنی، در مقایسه با کشورهای فاقد منابع طبیعی، عملکرد ضعیف‌تری در حوزه رشد و توسعه اقتصادی، کاهش فقر و افزایش رفاه داشته‌اند. تجربه صد ساله عراق نیز نشان می‌دهد که منابع نفتی به افزایش وابستگی دولت به ثروت‌های طبیعی، بزرگتر شدن حجم دولت، اهمال در اخذ مالیات، عدم شفافیت و پاسخگو نبودن دولت، اشاعه فرهنگ رانت‌خواری و تبعیض، ایجاد شکاف طبقاتی و در مواردی به‌عنوان نمونه‌ای از نفرین منابع منجر شده است (کونو<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳).

برخی از صاحب‌نظران توسعه اقتصادی بر این باورند که ریشه عقب‌ماندگی کشورهای صادرکننده نفت خام به خود نفت بازمی‌گردد. مقایسه عملکرد رشد اقتصادی سرانه کشورهای نفت‌خیز با سایر کشورهای فقیر از نظر منابع طبیعی نشان می‌دهد که کشورهای نفت‌خیز، علی‌رغم برخورداری از ثروت نفت، عملکرد ضعیف‌تری داشته‌اند؛ این مسئله به مشکلات ساختاری اقتصادی در این کشورها اشاره دارد. بر این اساس، مشخص می‌شود که درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت می‌تواند نقش تأثیرگذاری بر بخش‌های مختلف جامعه، از جمله رفاه اجتماعی، داشته باشد و حتی رابطه بین توسعه بخش ورزش و رفاه اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد (ابراهیم محمد و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲). بر همین اساس، هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتناب‌ناامی با در نظر گرفتن نقش درآمدهای نفتی دولت می‌باشد. ساختار مقاله در ادامه به این صورت می‌باشد که ابتدا مروری بر مبانی نظری و پیشینه تجربی تحقیق انجام می‌شود. سپس روش تحقیق بیان شده و پس از تجزیه و

<sup>1</sup> Barbu.

<sup>2</sup> Deloitte.

<sup>3</sup> Sitnikov and Bocean

<sup>4</sup> Konow

<sup>5</sup> Jabir Ibrahim Mohammed et al.

سلامت جامعه، چارچوب سیستم سلامت را برای ورزش‌های اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهند.

رفاه اجتماعی در بردارنده محیط‌هایی است که در آن افراد احساس ارزشمندی، احترام و توانایی برای مشارکت معنادار در جوامع خود کنند. توسعه بخش ورزش می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرتمند برای دستیابی به رفاه اجتماعی با شکستن موانع اجتماعی و تقویت حس تعلق باشد.

شری<sup>۶</sup> (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که چگونه ورزش می‌تواند گروه‌های به حاشیه رانده شده مانند بی‌خانمان‌ها را با ایجاد بستری برای نشان دادن مهارت‌های خود، ایجاد اعتماد به نفس و ارتباط با دیگران دوباره درگیر کند و در نهایت بر رفاه اجتماعی اثرات مثبت داشته باشد.

علاوه بر این، نقش توسعه بخش ورزش در ارتقای رفاه اجتماعی به ویژه برای سالمندان قابل توجه است. استرن، باکلی و موسویچ<sup>۷</sup> (۲۰۲۰) دلایل شرکت افراد مسن در ورزش را مرور می‌کنند و مزایایی مانند حفظ سلامت جسمانی، مشارکت اجتماعی و رفاه روانی را برجسته می‌کنند. به طور مشابه، جنکین و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۸) مزایا و موانع مشارکت ورزشی برای بزرگسالان ۵۰ ساله و بالاتر را بررسی می‌کند و خاطر نشان می‌کند که ورزش می‌تواند ارتباطات اجتماعی را تقویت کند، احساس انزوا را کاهش دهد و کیفیت زندگی و در نهایت رفاه اجتماعی افراد مسن را بهبود بخشد.

فواید ورزش برای سلامتی فراتر از آمادگی جسمانی است و شامل رفاه روحی و روانی می‌شود. هیوز و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۲۰) چارچوب موسسه ورزش استرالیا را برای راه‌اندازی مجدد ورزش در محیط COVID-۱۹ شرح می‌دهد و بر نیاز به فعالیت‌های ورزشی ایمن و ساختاریافته برای حمایت از سلامت جسمی و روانی در طول همه‌گیری تأکید می‌کند. این چارچوب سازگاری برنامه‌های ورزشی را برای رویارویی با چالش‌های بهداشتی در حال ظهور برجسته می‌کند و بر اهمیت آنها در حفظ سلامت و رفاه جامعه تأکید می‌کند.

تحلیل داده‌ها، به جمع‌بندی مطالب و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱. تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی

ورزش از دیرباز به عنوان یکی از اجزای اصلی فعالیت بدنی شناخته شده است که به طور قابل توجهی به سلامت فردی و رفاه اجتماعی کمک می‌کند. مزایای مشارکت ورزشی به خوبی در ادبیات مستند شده است. اتر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) تأثیر مثبت ورزش بر سلامت روان و پیامدهای اجتماعی در بزرگسالان را برجسته می‌کند و یک مدل مفهومی به نام «سلامت روان از طریق ورزش» پیشنهاد می‌کنند. این مدل نشان می‌دهد که چگونه توسعه بخش ورزش می‌تواند به بهبود سلامت روان و رفاه اجتماعی از طریق مکانیسم‌هایی مانند افزایش تعامل اجتماعی، افزایش عزت نفس و کاهش استرس منجر شود. به طور مشابه، ایم و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) یک بررسی سیستماتیک از مزایای روانشناختی و اجتماعی ورزش برای کودکان و نوجوانان ارائه می‌دهد و پیشنهاد می‌کند که مشارکت ورزشی تاب‌آوری روانی، مهارت‌های اجتماعی و رفاه کلی را در جمعیت‌های جوان تر تقویت می‌کند (کارستنس و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۴).

در کشورهای در حال توسعه و به طور خاص کشورهای منتخب نفتی، که دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و منابع اجتماعی ممکن است محدود باشد، توسعه بخش ورزش می‌تواند به عنوان مداخله‌ای حیاتی برای ارتقای سلامت و رفاه اجتماعی باشد. جینز<sup>۴</sup> (۲۰۲۴) بر نقش ورزش‌های غیررسمی در سلامت عمومی، به ویژه در استرالیا تأکید می‌کند و نشان می‌دهد که ورزش می‌تواند شکاف‌ها را در خدمات رسمی مراقبت‌های بهداشتی با ترویج فعالیت بدنی و انسجام اجتماعی در سطح جامعه پر کند. علاوه بر این، ژو و ژائو<sup>۵</sup> (۲۰۲۱) با تأکید بر جهت‌گیری عملکردی ورزش در افزایش نتایج

<sup>1</sup> Eather et al.

<sup>2</sup> Eime et al

<sup>3</sup> Valerie Karstensen1 et al.

<sup>4</sup> Jeanes

<sup>5</sup> Zhu et al.

<sup>6</sup> Sherry

<sup>7</sup> Stenner et al.

<sup>8</sup> Jenkin et al

<sup>9</sup> Hughes et al

در همین راستا، نقش اقتصادی توسعه بخش ورزش در چند جهت اصلی برجسته می‌شود. اول از همه، اقدامات بهبود سلامت ورزشی به حداقل رساندن خسارات اقتصادی در تقریباً تمام زمینه‌های فعالیت حیاتی شرکت کمک می‌کند و جایگزینی برای رذائل است که تأثیر مخرب قدرتمندی بر سیستم اقتصادی و کاهش رفاه اجتماعی دارد. ثانیاً فعالیت بدنی عامل مهمی در افزایش امید به زندگی مردم است و تأثیر مثبتی بر افزایش سن کار افراد دارد. ثالثاً، فرهنگ بدنی و ورزش برخی از مؤلفه‌های اصلی آموزش نیروی کار با کیفیت بالا هستند و بنابراین، عامل تضمین رفاه اقتصادی بالاتر هستند. چهارم، فعالیت بدنی، ورزش و گردشگری رویدادهای ورزشی در حال حاضر حوزه مهمی از فعالیت‌های کارآفرینی گسترده است که از یک سو اشتغال افراد زیادی را در بخش‌های صنعت ورزش و مجموعه‌های گردشگری و... بخش دیگر - بخش‌های ذکر شده بودجه را از درآمدهای مالیاتی تکمیل می‌کنند که به دولت اجازه می‌دهد تا به طور مؤثر مشکلات اجتماعی جمعیت را حل کند و رفاه اجتماعی را بهبود بخشد (رضوان و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

## ۲-۲. تأثیر درآمدهای نفتی دولت بر رفاه اجتماعی

منابع طبیعی که یکی از عوامل اساسی تولید است، با استفاده مؤثر می‌تواند برای رشد اقتصادی کشورها مفید باشد (آتیل و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۲؛ کائی و لی<sup>۴</sup>، ۲۰۲۳). بنابراین می‌توان بیان کرد که وفور منابع طبیعی از جمله نفت و درآمدهای حاصل از آن، در توسعه بسیاری از کشورهای دارای اقتصاد توسعه یافته امروزه از اهمیت بالایی برخوردار است (اولانگیو<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱).

ادبیات نظری مربوط به وفور منابع طبیعی و رفاه اجتماعی در قالب شاخص‌هایی همانند نابرابری درآمدی و سطح فقر، نشان می‌دهد که رویکرد نظری کلی مبتنی بر فرضیه نفرین منابع طبیعی است که برای اولین بار توسط گلب<sup>۶</sup> (۱۹۸۸) و آیوتی<sup>۷</sup> (۱۹۹۳) فرموله شد. نفرین منابع

بنابراین با شروع از این فرض که جامعه‌پذیری فرآیندی است که افراد از طریق آن مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی را به دست می‌آورند که آنها را قادر می‌سازد به عنوان اعضای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مشارکت داشته باشند، از طریق ابعاد آموزشی و فرهنگی، ورزش به عنوان یک عامل قوی برای جامعه‌پذیری شناخته می‌شود. ورزش فرصت‌های منحصربه‌فردی را برای ملاقات با افراد دیگر، برقراری ارتباط، ایفای نقش‌های مختلف، کسب نگرش‌های اخلاقی مانند بازی جوانمردانه، بردباری، احترام و زندگی با احساسات متفاوت از سایر حوزه‌های زندگی و غیره ارائه می‌دهد. ورزش از طریق اشکال تمرینی خود (ورزش برای همه، ورزش‌های نمایشی و ورزش‌های مناسب - برای افراد با نیازهای ویژه)، به اجتماعی کردن کودکان کمک می‌کند، با یادگیری نقش‌های مختلف در بازی‌ها، برقراری مجدد تماس سالمندان با دنیای اجتماعی، ارزش گذاری جوانان عملکرد آنها در چارچوب اجتماعی رقابتی، و افراد با نیازهای ویژه موفق می‌شوند از محدودیت‌های خود فراتر روند. ورزش به دلیل انعطاف‌پذیری که دارد شکل مناسبی از توسعه اجتماعی است که در تنوع فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف قابل استفاده است (فلورا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

بنابراین ورزش به عنوان عاملی با تأثیر عمده بر متغیرهای مختلف اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید تعریف می‌شود. ورزش ابزاری برای توسعه محلی و منطقه‌ای، بازآفرینی شهری یا توسعه روستایی است. این ورزش از هم‌افزایی با بخش‌های گردشگری، مالی، زیرساختی بر اساس مشارکت‌هایی که می‌تواند با سایر بخش‌های فعالیت منعقد شود که منجر به ایجاد پایگاه‌های ورزشی جدید می‌شود، سود می‌برد (استرو و باربو، ۲۰۰۶). ورزش اغلب ارتباط نزدیکی با بخش خصوصی کسب و کار دارد که معمولاً به سمت سود کوتاه مدت است که در تضاد با حفاظت است. در مناطق دارای پتانسیل و تقاضا برای ورزش، برنامه ریزی و نظارت می‌تواند حمایت قوی برای توسعه پایدار جوامع مبتنی بر ورزش و تربیت بدنی باشد.

<sup>2</sup> Barbu et al.

<sup>3</sup> Ahmed et al.

<sup>4</sup> Chunlin Cai et al.

<sup>5</sup> D. O. Olayungbo

<sup>6</sup> Gelb

<sup>7</sup> Auty

<sup>1</sup> Florea et al.

- کیفیت نهادی ضعیف: کیفیت نهادی یک کشور در تعیین اینکه آیا فراوانی منابع طبیعی یک نعمت است یا یک نفرین، نقش مهمی دارد. ادعا می‌شود رشد بالا در کشورهای غنی از منابع به دلیل نحوه توزیع درآمدهای حاصل از منابع طبیعی از طریق تنظیمات موجود نهادی است. اگر کیفیت نهادی خوب باشد، وفور منابع طبیعی یک نعمت است. ایشان استدلال می‌کند در صورت بهبود کیفیت نهادی، اثر سوء فراوانی منابع طبیعی بر رشد اقتصادی از بین خواهد رفت.

- نوسان قیمت کالا: نوسانات قیمت کالاها، کانال مهم دیگری برای نفرین به منابع است. نوسان قیمت کالاها باعث ایجاد عدم اطمینان در اقتصاد می‌شود، ثبات در بودجه را به تاخیر می‌اندازد، قابل پیش‌بینی بودن برنامه‌ریزی اقتصادی را تضعیف می‌کند و به‌طور بالقوه به کاهش رشد اقتصادی کمک می‌کند. علاوه بر این، کشورهایی که در این وضعیت قرار دارند می‌توانند با محدودیت‌های جدی در زمینه استقراض خود روبه‌رو شوند، زیرا بازارهای مالی نه تنها از ریسک پیش‌فرض ناشی از نوسانات آگاه است، بلکه همچنین باید توجه داشته باشند که مصرف کل و سرمایه‌گذاری واقعی در زمان نوسان قیمت کالا کاهش می‌یابد. این پویایی احتمالا منجر به کاهش رشد اقتصادی خواهد شد.

- عدم تنوع‌گرایی: دلیل دیگر نفرین منابع عدم تنوع اقتصادی در کشورهای دارای منابع طبیعی فراوان است. سهم عمده درآمدهای صادراتی در این کشورها فقط از یک یا چند منبع تولید می‌شود. این امر منجر به آسیب‌پذیری اقتصادی ناشی از شوک‌های برون‌زا و منجر به رشد اقتصادی کند می‌گردد. ادبیات قابل توجهی در مورد کانال‌های انتقال فوق‌الذکر وجود دارد که موجب نفرین منابع می‌شود، اما تنها بحث محدودی در مورد پویایی مرتبط با باز بودن تجارت صورت پذیرفته است. بنابراین، این مطالعه، نقش باز بودن تجارت را با استفاده از مدل‌های داده پانل بررسی می‌کند تا ابعاد جدیدی در ادبیات نفرین منابع ایجاد نماید (تنگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۴).

یا تله منابع، وضعیتی متناقض است که در آن کشورهایی با منابع طبیعی تجدیدنپذیر فراوان، رشد اقتصادی را کد یا حتی انقباض اقتصادی را تجربه می‌کنند. نفرین منابع عمدتاً زمانی اتفاق می‌افتد که یک کشور تمام ابزار تولید خود را بر روی یک صنعت مانند استخراج معدن یا تولید نفت متمرکز کرده و از سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌های اصلی غفلت کند. موضوع دیگری که در رابطه با پدیده وفور منابع مطرح می‌باشد، بحث تجارت این منابع است. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۲، حدود یک‌پنجم تجارت جهانی را تجارت منابع طبیعی تشکیل می‌دهد. در بیشتر کشورهای که دارای وفور منابع طبیعی هستند نیز صادرات این منابع بیش از هشتاد درصد کل صادرات است و این منابع بیش از پنجاه درصد تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهد (ناگمنی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

اما وابستگی بیش از حد به درآمدهای نفتی به‌عنوان یک منبع طبیعی، سبب شده است که هرگونه شوک نفتی منفی و کاهش درآمد نفتی، اقتصاد این کشورها را تحت تاثیر قرار دهد. این وابستگی سبب می‌شود که اثر نوسانات درآمدهای حاصل از نفت و فرآورده‌های نفتی در بلندمدت، رشد اقتصادی را کاهش دهد (سینگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳). یکی از رایج‌ترین دلایل اقتصادی پیشنهاد شده برای نفرین منابع، بیماری مشهور هلندی است. در بیشتر کشورهای دارای منبع طبیعی، بخش‌هایی غیر از منابع به‌دلیل درآمد طبیعی که تا حدی جذب بخش‌های غیرقابل تجارت داخلی می‌شود، از افزایش واقعی ارزش پول ملی رنج می‌برند. این امر منجر به گران شدن صادرات از بخش‌های غیرمنابع (معمولا تولیدی) نسبت به بازار جهانی می‌شود، بنابراین باعث می‌گردد این بخش‌ها از رقابت کمتری برخوردار باشند. در نتیجه، کل درآمد ملی کاهش می‌یابد و در نهایت باعث کند شدن رشد اقتصادی می‌شود (کاسوری و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰).

از جمله مهم‌ترین دلایل بروز پدیده نفرین منابع می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

<sup>1</sup> Ngameni

<sup>2</sup> Singh

<sup>3</sup> Kassouri

<sup>4</sup> Wei Teng et al.

عده‌ای قلیل توزیع گشته و منجر به کاهش رفاه در جامعه گردد.

- افزایش مخارج عمومی دولت در کلان‌شهرها  
مخارج عمومی دولت از محل درآمدهای حاصل از این منابع نیز ممکن است کاهش رفاه را تشدید کند. این مسئله زمانی بروز پیدا می‌کند که مخارج دولت به بخش‌های رسمی موجود در کلان‌شهرها و شهرستان‌ها اختصاص بیشتری یابد. این مسئله باعث کشیدگی منحنی توزیع درآمد به نفع خانوارهای شهری و به ضرر خانوارهای روستایی می‌گردد. همچنین ممکن است به دلیل نبود سازوکارهای نهادی مناسب در کشورهای نفت‌خیز و دسترسی آسان‌تر طبقات ثروتمند به مراکز قدرت، رانت‌های ناشی از نفت میان اغنیا و فقرا به طور عادلانه توزیع نگشته و کاهش رفاه اقتصادی از این طریق نیز تشدید پیدا کند.

- عدم پیدا کردن آمادگی کافی نیروی کار برای اشتغال در سایر صنایع

از آنجا که اکتشاف منابع طبیعی به سرمایه انسانی زیادی نیاز ندارد، نیروی کار در کشورهای غنی به لحاظ منابع طبیعی، برای اشتغال در صنایع تولیدی سرمایه انسانی بر آمادگی لازم را پیدا نمی‌کنند. در نتیجه چنین اقتصادهایی ممکن است در مقایسه با سایر اقتصادها از نابرابری درآمدی برای دوره‌های طولانی‌تری رنج ببرند و در نتیجه رفاه اقتصادی آن‌ها کاهش یابد.

- افزایش نقدینگی و تورم  
در صورت عدم استفاده از سیاست عقیم‌سازی ارز خارجی توسط بانک مرکزی کشورها، فروش دلارهای نفتی به بانک مرکزی باعث افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی و به دنبال آن افزایش پایه پولی می‌گردد. افزایش پایه پولی نیز با مکانیسم ضریب فزاینده پولی باعث رشد شدیدتر نقدینگی و به دنبال آن تورم در کشور می‌شود و با توجه به اینکه تورم در دهک‌های مختلف درآمدی اثرات متفاوتی دارد، می‌توان گفت افزایش درآمدهای نفتی از این طریق تابع توزیع درآمد را به ضرر گروه کم‌درآمد تغییر داده و

بنابراین، فرضیه نفرین منابع طبیعی اثرات مخرب فراوانی منابع طبیعی را بر اقتصاد بیان می‌کند. این واقعیت که اکثر کشورهای آفریقایی و خاورمیانه که امروزه از نظر ثروت منابع طبیعی و نفتی در خط مقدم قرار دارند، دارای رشد اقتصادی پایین، سطح درآمد سرانه پایین و استانداردهای زندگی پایین هستند، فرضیه نفرین منابع طبیعی را تایید می‌کند. علاوه بر این، این واقعیت که بسیاری از کشورهای با منابع کمیاب عملکرد اقتصادی خوبی دارند، این فرضیه را تقویت می‌کند (جمینقلو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

مکانیسم‌هایی که وابستگی به منابع را به عملکرد اقتصادی ضعیف مرتبط می‌کنند، می‌توانند با دو رویکرد اصلی اقتصادی و سیاسی توضیح دهند. رویکرد اقتصادی شامل بیماری هلندی، نوسان قیمت کالاها، کاهش انباشت سرمایه، شکست سیاست‌های اقتصادی، غفلت از آموزش، صنعتی زدایی و افزایش عدم اطمینان اقتصاد کلان است. رویکرد سیاسی عبارتند از رانت خواری، تضعیف ساختار نهادی، افزایش فساد، تمرکز فراوانی منابع در دست گروه‌های خاص و درگیری‌های اجتماعی (سولمن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

به لحاظ تئوری، مکانیسم‌های اثر گذاری درآمدهای نفتی بر رفاه اقتصادی را می‌توان به دو دسته مکانیسم‌های اثر گذاری منفی و مکانیسم‌های اثر گذاری مثبت تقسیم کرد. از جمله مهم‌ترین مکانیسم‌های اثرگذاری منفی درآمدهای نفتی بر افزایش رفاه می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

- دورافتادگی<sup>۳</sup> صنایع معدنی  
صنایع مربوط به نفت، گاز و سایر معادن معمولاً ماهیت دورافتادگی از سایر صنایع و بخش‌های اقتصادی دارند. چرا که این نوع صنایع دارای ارتباطات پیشینی و پسینی ضعیفی با سایر بخش‌های اقتصاد هستند. لذا در خلال تولید در چنین صنایعی تنها تعداد کمی از نیروهای متخصص و نسبتاً ماهر به کار گرفته شده و سایر نهادهای تولیدی نیز از خارج اقتصاد وارد می‌شود. لذا دور از انتظار نیست که درآمدهای حاصل از این صنایع تنها میان

<sup>1</sup> Selçuk et al.

<sup>2</sup> Shafic et al.

<sup>3</sup> Enclave Nature

شکاف طبقاتی را زیاده‌تر می‌کند که نتیجه آن کاهش رفاه اقتصادی می‌باشد.

- توزیع نابرابر درآمدها در بخش نفت

کانال دیگری که می‌توان در نظر گرفت، این است که فرض کنیم کارگران در دو بخش نفت و غیر نفت مشغول به کار بوده و به دلیل اینکه سرمایه انسانی به طور نسبتاً مساوی در میان جمعیت پراکنده شده است، دستمزد در بخش غیر نفتی به صورت نسبتاً برابر است. ولیکن به خاطر وجود رانت‌های بادآورده و حس رقابت برای تصاحب این رانت‌ها در بخش نفت، درآمدها در این بخش از اقتصاد در هر نقطه از زمان نابرابر توزیع شده است. بنابراین هرچه درآمدهای نفتی افزایش یابد نابرابری درآمد در اقتصاد افزایش یافته و رفاه اقتصادی کاهش می‌یابد (آدکویا<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

- افزایش واردات کالاهای مصرفی و تضعیف صنایع نوپای داخلی

کانال دیگر تأثیرگذاری افزایش درآمدهای نفتی، افزایش واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی و در نتیجه ورشکستگی کارخانجات داخلی به دلیل عدم توان رقابت با محصولات مشابه خارجی و در نهایت اخراج کارگران این کارخانجات می‌باشد. دلیل این مسئله تصمیم دولت برای کنترل تورم ناشی شده از تبدیل درآمدهای نفتی به پول داخلی است. این مسئله هم دهک‌های بالای درآمدی را متضرر می‌سازد و هم دهک‌های پایین. ولی از آنجا که سهم عمده درآمد اقشار کم درآمد و آسیب پذیر جامعه از محل نیروی کار تأمین می‌گردد این اثر نیز توزیع درآمد را به زیان دهک‌های پایین درآمدی تغییر می‌دهد. چرا که دهک‌های بالای درآمدی در مقابل ضررهای احتمالی از آسیب پذیری کمتری برخوردار هستند.

- بیماری هلندی و تضعیف بخش‌های قابل تجارت داخلی  
کانال دیگری که توزیع درآمد را تغییر می‌دهد رونق بخش‌های غیر قابل تجارت اقتصاد مانند بخش مسکن و خدمات و در مقابل رکود بخش‌های قابل تجارت به ویژه

بخش کشاورزی و صنعت به خاطر تقویت پول ملی و واردات کالاهای قابل تجارت می‌باشد که این اثرات افزایش درآمدهای نفتی به بیماری هلندی موسوم است.

- عدم توجه کافی به مالیات و پایین‌ماندن کارایی در سیستم مالیات‌ستانی

اتکای بیش از حد دولت به درآمدهای نفتی و سهم بالای درآمدهای نفتی در بودجه دولت باعث کم توجهی به مالیات و اخذ آن به صورت بهینه و کاهش بار مالیاتی می‌شود. که این مسئله از طرفی باعث فرار مالیاتی اقشار پردرآمد جامعه شده و بار دیگر باعث تغییر توزیع درآمد به ضرر دهک‌های پایین درآمدی می‌شود. و از طرف دیگر پاسخگو بودن دولت و نظارت مردم بر دولت را کم رنگ می‌کند. به طور کلی درآمدهای بدست آمده از فروش نفت مستقیماً عاید دولت گردیده و انگیزه دولت برای ایجاد یک نظام دقیق مالیاتی را از بین می‌برد، که این خود وضعیت را بدتر کرده و وابستگی دولت به نفت را بیش از پیش می‌گرداند (آسیمانه و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

از جمله مکانیزم‌های اثرگذاری مثبت درآمدهای نفتی بر کاهش نابرابری نیز می‌توان به موارد زیر اشاره داشت: در مقابل می‌توان حالاتی را تصور نمود که درآمدهای نفتی منجر به کاهش نابرابری درآمدی گردد. این مسئله نیز از دو مکانیزم عمده زیر ناشی می‌گردد:

- افزایش مخارج مصرفی و پرداخت‌های انتقالی دولت به طبقات فقیر

بخشی از مخارج اجتماعی دولت می‌تواند به پرداخت‌های انتقالی مستقیم به طبقات فقیر اجتماع اختصاص یابد. این مسئله می‌تواند درآمد این طبقه از جامعه را افزایش داده و منجر به بازتوزیع درآمد از افراد ثروتمند به افراد فقیر گردد.

- اختصاص درآمدهای نفتی به ارتقای بهداشت و آموزش در مناطق محروم

مخارج اجتماعی دولت می‌تواند همچنین در جهت ارتقای دسترسی طبقات فقیر اجتماع به آموزش، بهداشت و سایر فعالیت‌هایی از این دست اختصاص یابد که باعث

<sup>2</sup> Oliver Asiamah et al.

<sup>1</sup> Oluwasegun B.Adekoya



افزایش سرمایه اجتماعی این طبقه از جامعه گشته و در بلندمدت توزیع درآمد را بهبود بخشد (ماجمودار و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰).

۳-۲. پیشینه تحقیق

از جمله مهم ترین تحقیقات داخلی مرتبط با موضوع تحقیق می‌توان به تحقیقات زیر اشاره داشت؛ صدیق محمدی و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهند که کاهش صادرات نفت، منجر به افزایش نرخ ارز و صادرات غیر نفتی و نیز کاهش جذب داخلی، صادرات و واردات کل و تولید ناخالص داخلی می‌گردد. شیروانی و همکاران (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای به تحلیل عوامل موثر بر بهبود توان رقابتی شرکت‌های تولیدی ورزشی پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد عوامل موثر بر بهبود توان رقابتی شرکت‌های تولیدی ورزشی در دو دسته شاخص‌های درون سازمانی و برون سازمانی قرار گرفتند. همچنین یافته‌های آزمون دمیتل فازی نشان داد که به ترتیب اولویت ۵ مفهوم عوامل قانونی و حمایتی، ساختار و مدیریت، کنترل بازار، تامین و طراحی و مسائل تجاری و بین‌المللی به عنوان عوامل اثرگذار و ۴ مفهوم عوامل مشتری و مصرف کننده، بازاریابی، بهبود کالا و بهبود خدمات به عنوان عوامل اثرپذیر دسته‌بندی شدند. مدادی ناسا و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای به بررسی نقش توسعه ورزش حرفه‌ای بر شاخص‌های توسعه اجتماعی ایران پرداخته‌اند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در بخش کیفی از کدگذاری و در بخش کمی از روش معادلات ساختاری استفاده شد. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در نرم افزارهای اس پی اس اس نسخه ۲۰ و پی ال اس نسخه ۲ انجام گردید. در مرحله کیفی ۴۲ ویژگی از طریق مصاحبه‌های انجام شده استخراج گردید که این ویژگی‌ها در ۷ شاخص کلی توسعه اجتماعی شامل عدالت، سرمایه اجتماعی، نشاط اجتماعی، رفاه اجتماعی، اخلاق توسعه اجتماعی، امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی دسته بندی گردیدند. نتایج تحقیق نشان داد که توسعه ورزش حرفه‌ای بر شاخص سرمایه اجتماعی (۰/۸۵۷=تاثیر، ۰/۰۱= سطح معناداری)، رفاه اجتماعی (۰/۷۴۸=تاثیر،

۰/۰۱= سطح معناداری) و سلامت اجتماعی (۰/۷۱۸=تاثیر، ۰/۰۱= سطح معناداری) بیشتر از سایر شاخص‌های توسعه اجتماعی تاثیرگذار می‌باشد. عزیزی مهر (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای نشان دادند یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر چگونگی مدیریت درآمدهای نفتی و شیوه تخصیص آن به حوزه‌های رفاهی شرایط مقدم، یعنی برخورداری از نهادهای قوی و کارآمد و سطح توسعه‌یافتگی پیش از ورود درآمدهای نفتی به بودجه کشورها، است. ولی پوری و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه‌ای نشان دادند بین نوسانات قیمت نفت و توزیع درآمدی در ایران هیچ رابطه‌ای وجود ندارد این در حالی است که از درآمدهای نفتی به توزیع یک رابطه یکطرفه معنی دار وجود دارد. افشاری و مظاهری (۱۴۰۱) نشان می‌دهند که کشورهای با رانت نفتی بالاتر توزیع درآمدی نابرابری دارند، به علاوه، افزایش رانت نفتی ابتدا توزیع درآمد را نابرابرتر می‌کند اما وقتی این افزایش از مقدار معینی تجاوز کند، منجر به بهتر شدن توزیع درآمد می‌شود؛ بنابراین یک رابطه "U معکوس" میان رانت نفتی و توزیع نابرابر درآمد بین کشورهای مورد مطالعه برقرار است.

تحقیقات خارجی نیز شامل کارستنس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) است که در مطالعه‌ای به بررسی نقش توسعه ورزش در ارتقای شمولیت اجتماعی و سلامت در جوامع حاشیه نشین پرداخته‌اند. این مطالعه سه موضوع اصلی را شناسایی کرد: شمول اجتماعی، سلامت و بهزیستی، و توسعه و رشد فردی. شرکت کنندگان گزارش دادند که توسعه بخش ورزش به‌طور قابل توجهی شبکه‌های اجتماعی، انسجام جامعه را افزایش داده و موانع اجتماعی را از بین برده و حس تعلق و توانمندی را تقویت می‌کند. مزایای سلامت جسمانی شامل بهبود تناسب اندام و کاهش بیماری‌های مزمن بود، در حالی که بهبود سلامت روان شامل کاهش استرس، کاهش اضطراب و بهبود خلق و خوی بود. ورزش همچنین با تقویت مهارت‌های رهبری، کار گروهی و فراهم کردن فرصت‌های آموزشی و شغلی، توسعه فردی را تسهیل می‌کند. جمینقلو و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) نشان می‌دهد یک رابطه U شکل معکوس بین رانت منابع طبیعی و نابرابری درآمد پیدا شده است. به

<sup>2</sup> Valerie Karstensen1 et al.

<sup>3</sup> Selçuk et al.

<sup>1</sup> Monoj Kumar et al.

می‌نماید که از این جنبه نیز نشان دهنده نوآوری تحقیق حاضر می‌باشد.

### ۳. روش تحقیق

با توجه به این که هدف اصلی تحقیق حاضر بررسی تاثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش درآمدهای نفتی دولت در منتخبی از کشورهای صادر کننده نفت شامل الجزایر، آنگولا، کنگو، اکوادور، گینه استوایی، گابن، ایران، عراق، کویت، لیبی، نیجریه، قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و ونزوئلا با استفاده از مدل رگرسیون آستانه ای می‌باشد، به تبعیت از کارستنس و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۴)، تنگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۴)؛ تن و اوپراسان<sup>۶</sup> (۲۰۲۳)، بریسا و همکاران (۲۰۲۲) و عزیزی مهر (۱۴۰۱)؛ از فرم تابعی زیر استفاده می‌شود:

(۱)

$$\begin{aligned} \text{Welfare}_{it} = & \alpha_0 + \beta_1 \text{Welfare}_{it-1} \\ & + \beta_2 \text{OIL revenue}_{it} + \beta_3 \text{Sport}_{it} \\ & + \beta_4 \text{GDPper}_{it} + \beta_5 \text{INF}_{it} \\ & + \beta_6 \text{GSize}_{it} \end{aligned}$$

که در آن تابع گذار F برابر است با:

(۲)

$$F(s_{it}, \gamma, c) = (1 + \exp\{-\gamma(s_{it} - c)\})^{-1}, \quad \gamma > 0$$

$\alpha$  عرض از مبدأ، در قسمت خطی مدل  $\beta_1$  ضریب برآوردی وقفه متغیر رفاه اجتماعی،  $\beta_2$  ضریب برآوردی متغیر درآمد رانتهی،  $\beta_3$  ضریب برآوردی شاخص توسعه بخش ورزش،  $\beta_4$  بردار ضرایب برآوردی متغیر رشد اقتصادی،  $\beta_5$  بردار ضرایب برآوردی نرخ تورم،  $\beta_6$  ضریب برآوردی مخارج دولت،  $\beta_7$  ضریب برآوردی متغیر نرخ ارز حقیقی،  $\theta_1$  ضریب برآوردی متغیر درآمد رانتهی،  $\theta_2$  ضریب برآوردی توسعه بخش ورزش، در قسمت غیر خطی مدل  $\theta_3$  بردار ضرایب برآوردی رشد اقتصادی،  $\theta_4$  بردار ضرایب برآوردی نرخ تورم،  $\theta_5$  بردار ضرایب برآوردی مخارج دولت،  $\theta_6$  بردار ضرایب برآوردی نرخ ارز حقیقی،  $u_{it}$  جزء

عبارت دیگر، رانت منابع طبیعی تا یک آستانه اثر نفرین منابع دارد، سپس بر نابرابری درآمدی اثر برکتی دارد. سینگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۳) نشان می‌دهند که منابع طبیعی می‌توانند رشد اقتصادی را تنها در چین، ایالات متحده و این پنل پیش‌بینی کنند. در مقابل، هیچ دلیلی برای چهار کشور دیگر موجود در پانل یافت نشد. تن و اوپراسان<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) نشان دادند افزایش نوسانات قیمت نفت باعث افزایش نابرابری درآمد در هر دو نوع کشور می‌شود. این مطالعه همچنین نشان داد که شوک‌های قیمت نفت به طور نامتقارن بر نابرابری درآمد تأثیر می‌گذارد. بریسا و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۲) در مطالعه ای نشان داده اند برای فراوانی نفت، کشورهایی که تولید نفت پایینی دارند، در صورت افزایش تولید نفت، نابرابری کمتری خواهند داشت و کشورهایی که تولید نفت بالایی دارند، در صورت افزایش تولید، نابرابری درآمدی بیشتری خواهند داشت. عکس این موضوع در مورد وابستگی به نفت صادق است.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته، تحقیق حاضر از جنبه‌های زیر دارای نوآوری و جدید بودن می‌باشد؛ اول به لحاظ موضوعی، تاکنون تحقیقی تأثیرات آستانه ای درآمدهای نفتی بر رابطه توسعه بخش ورزش و رفاه اجتماعی را مورد بررسی قرار نداده است که نشان می‌دهد که تحقیق حاضر از لحاظ موضوعی دارای نوآوری می‌باشد. دوم؛ به لحاظ قلمرو مکانی، تحقیق حاضر به بررسی تاثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش آستانه ای درآمدهای نفتی دولت نپرداخته است که نشان می‌دهد تحقیق حاضر به لحاظ مکانی نیز دارای نوآوری می‌باشد. سوم، به لحاظ روشی، تحقیق حاضر به بررسی تاثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن نقش آستانه‌ای درآمدهای نفتی دولت منتخبی از کشورهای صادرکننده نفت می‌پردازد که تاکنون در تحقیقات قبلی، این اثرات آستانه ای مورد بررسی قرار نگرفته است و از این جنبه نیز تحقیق حاضر دارای نوآوری می‌باشد. در نهایت، به لحاظ دوره زمانی، تحقیق حاضر از به روز ترین داده‌ها طی دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۲۳ استفاده

<sup>4</sup> Valerie Karstensen1 et al.

<sup>5</sup> Wei Teng et al.

<sup>6</sup> Yan Tan

<sup>1</sup> Sanjeet et al.

<sup>2</sup> Yan Tan et al.

<sup>3</sup> Edmond Berisha et al.

می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های صندوق بین‌المللی پول IMF استخراج می‌شود.

#### متغیرهای کنترل:

درآمد سرانه (GDPper): برای اندازه‌گیری درآمد سرانه، از نسبت تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵ به جمعیت کشور استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

نرخ تورم (Inf): برای اندازه‌گیری نرخ تورم، از شاخص قیمت مصرف‌کننده در منتخب کشورهای صادرکننده نفت استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

اندازه دولت (GSize): در این مطالعه از متغیرهای سهم مخارج عمومی دولت در تولید ناخالص داخلی، به عنوان شاخص اندازه دولت استفاده شده است. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

نرخ ارز (EXR): برای اندازه‌گیری نرخ ارز، از نرخ ارز موثر حقیقی که به صورت سالانه توسط پایگاه داده‌های بانک جهانی منتشر می‌شود، استفاده می‌گردد. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

روش تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق، روش رگرسیون پانل آستانه ای (PSTR) می‌باشد. به منظور بررسی ویژگی‌های مدل PSTR با تابع انتقال لاجستیک بر اساس مدل ون‌دیک (Van Dijk, 1999)، فرض می‌شود متغیر وابسته  $Welfare_{it}$  تنها تابعی از مقادیر وقفه‌دار خودش باشد. در این صورت با فرض یک تابع انتقال دو رژیمی رابطه زیر به دست می‌آید:

$$Welfare_{it} = (\theta_0 + \theta_1 Welfare_{it-1} + \dots + \theta_p Welfare_{it-p}) + (\phi_0 + \phi_1 Welfare_{it-1} + \dots + \phi_p Welfare_{it-p}) G(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it, \gamma, c) + u_{it}$$

$$G(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it, \gamma, c) = \frac{1}{1 + \exp\{-\gamma(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it - c)\}}$$

خطا،  $t$  بیانگر دوره زمانی چندین سال و  $i$  چندین مقطع است.

پارامتر مکان  $c$  نقطه‌ای از انتقال بین دو رژیم حدی 0 و 1 را نشان می‌دهد.  $\gamma$  پارامتر شیب است که نشانگر سرعت انتقال بین رژیم‌ها بوده و دارای قید بدیهی  $\gamma > 0$  می‌باشد، مقادیر بیشتر  $\gamma$  بیانگر تغییر سریع‌تر رژیم است.  $S_{it}$  بیانگر متغیر انتقال است و می‌تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از مدل که از حیث مبانی نظری در ارتباط با مدل مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیر خطی باشد، انتخاب گردد. که در آن:

#### متغیر وابسته:

رفاه اجتماعی (Welfare): برای اندازه‌گیری رفاه اجتماعی، از شاخص نابرابری درآمدی بر اساس معیار ضریب جینی استفاده می‌شود. ضریب جینی مشهورترین شاخص نابرابری توزیع درآمد و فقر، و متداول‌ترین آنها از نظر استفاده در بررسی‌های توزیع درآمد و فقر است. ضریب جینی بین محدوده (0 و 1) قرار دارد، به طوری که صفر، بیانگر برابری کامل و یک، نشان‌دهنده نابرابری کامل در توزیع درآمد است. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

#### متغیر مستقل:

درآمدهای نفتی (revenue Oil): درآمدهای نفتی از طریق کانال‌های مختلفی می‌تواند بر توزیع درآمد تأثیر بگذارد که مهمترین آنها در قسمت مبانی نظری ارائه و بررسی شدند. برای اندازه‌گیری درآمدهای نفتی، از میزان درآمدهای نفتی منتخب کشورهای صادرکننده نفت به قیمت ثابت سال ۲۰۱۵ استفاده می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از پایگاه داده‌های بانک جهانی WDI استفاده می‌شود.

توسعه بخش ورزش (Sport): توسعه بخش ورزش بر اساس نسبت سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در بخش ورزش به صورت درصدی از GDP تعریف و محاسبه

#### ۴. تجزیه و تحلیل داده ها

##### ۴-۱. آزمون همبستگی مقطعی و ناهمگنی

با توجه به این که نمونه آماری تحقیق حاضر، ترکیبی از ۱۵ کشور می باشد، ابتدا نیاز است تا همبستگی مقطعی در بین اعضای پانل مورد بررسی قرار گیرد. برای بررسی این موضوع از آزمون CD تست پسران<sup>۴</sup> استفاده می شود. فرضیه صفر این آزمون نشان دهنده عدم وابستگی بین مقاطع است و فرضیه مقابل این آزمون به وجود وابستگی بین مقاطع اشاره دارد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۱) ارائه شده است:

جدول (۱) آزمون وابستگی مقطعی CD تست پسران بین اعضای پانل

متغیر	آماره آزمون	احتمال
GDPper	۱۴۹/۷۲	۰/۰۰۰۰
Sport	۷۴۷/۲۸	۰/۰۰۰۰
INF	۴۸۰/۳۵	۰/۰۰۰۰
Welfare	۴۲۳/۴۸	۰/۰۰۰۰
EXR	۶۲۵/۸۳	۰/۰۰۰۰
Oilrevenue	۲۹۷/۳۶	۰/۰۰۰۰
Gsize	۲۱۸/۷۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به مقدار آماره آزمون CD تست پسران، فرضیه صفر مبنی بر نبود وابستگی رد و وابستگی بین مقاطع نتیجه گیری می شود.

در ادامه بحث ناهمگنی (عدم تجانس) بین کشورهای مورد بررسی با استفاده از آزمون دلتا مورد بررسی قرار می گیرد که در آن فرضیه صفر، یکسان بودن شیب تمام مقاطع و فرضیه مقابل، عدم تجانس بین اعضای نمونه می باشد. نتایج مربوط به آزمون همگنی در جدول (۲) ارائه شده است:

یافته های جدول (۲) نشان می دهد که نتایج آزمون تجانس بین اعضای پانل مبنی بر یکسان بودن شیب تمام مقاطع رد نشده است و تجانس (همگنی) بین اعضای نمونه نتیجه گیری می شود.

نتایج این مدل یک مدل PSTR دو رژیم نامیده می شود که پارامتر مکان  $c$  نقطه ای از انتقال بین دو رژیم حدی  $G(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it, \gamma, c) = 0$  و  $G(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it, \gamma, c) = 1$  را نشان می دهد که  $G(Oil\ revenue_{it}, Sport\ it, \gamma, c) = 0.5$  است.  $\gamma$  نشانگر سرعت انتقال بین رژیم ها بوده و مقادیر بیش تر  $\gamma$  بیانگر تغییر سریع تر رژیم است.  $Oil\ revenue_{it}$  و  $Sport\ it$  بیانگر متغیرهای انتقال است و می تواند از بین متغیرهای توضیحی، وقفه متغیر وابسته، یا هر متغیر دیگر خارج از مدل که از حیث مبانی نظری در ارتباط با مدل مورد مطالعه بوده و عامل ایجاد رابطه غیر خطی باشد، انتخاب گردد.  $\theta_0, \theta_1, \dots, \theta_p$  بردار ضرایب برآوردی قسمت خطی مدل و  $\phi_0, \phi_1, \dots, \phi_p$  بردار ضرایب برآوردی غیر خطی مدل است. لازم به ذکر است کلیه تجزیه و تحلیل ها با کمک نرم افزار ایویوز نسخه ۱۳ انجام خواهد شد.

در نرم افزار ایویوز Eviews13 و مدل پانل استار و حد آستانه ای انتقال ملایم استار، به تجزیه و تحلیل داده ها، در کشورهای منتخب صادر کننده نفت پرداخته خواهد شد. آزمون های F لیمر، H هاسمن برای تعیین نوع داده های پانل یا پولینگ و تصادفی یا ثابت استفاده می شود. جهت بررسی مانایی آزمون لوین لین چو (LL) استفاده شده و برای آزمون خودهمبستگی آزمون وولدریچ<sup>۱</sup> و آزمون واریانس ناهمسانی از آزمون LR استفاده خواهد شد. همچنین آزمون هم انباشتگی وسترلند<sup>۲</sup> به وسیله روش بوتاسترپ جهت تعیین اثر وابستگی مقطعی انجام می شود. برای تعیین غیرخطی بودن روابط بین متغیرها از آزمون های آماره های ضریب لاگرانژ والد (LMw)، ضریب لاگرانژ فیشر (LMf) و نسبت درست نمایی (LR) استفاده می شود. در نهایت برای انتخاب تعداد مکان های آستانه ای، از معیارهای شوارتز و معیار اطلاعات آکائیک<sup>۳</sup> استفاده می شود. لازم به ذکر است همه متغیرها به صورت لگاریتمی وارد مدل شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

<sup>1</sup> Wooldridge

<sup>2</sup> Westerlund

<sup>3</sup> Schwarz

<sup>4</sup> Pesaran' Cd Test

جدول (۴) تعیین تعداد توابع انتقال در مدل غیر خطی

	مجموع مجذور باقیمانده ها	معیار شوارتز	معیار آکانیک
M=1	۶/۲۶	۶/۶۹	۶/۲۵
M=2	۶/۳۸	۵/۴۵	۵/۲۶

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول فوق، معیارهای عنوان شده برای هر دو مدل PSTR ارائه شده که بیان کننده نتایج متفاوتی است. از آنجا که معیار شوارتز نسبت به سایر معیارها مدل صرفه‌جویی<sup>۱</sup> را ارائه می‌دهد، از اینرو با استفاده از این معیار، یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیرخطی بین متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌شود. لذا یک مدل PSTR با یک تابع انتقال و یک حد آستانه‌ای برای بررسی رفتار غیر خطی میان متغیرهای مورد مطالعه انتخاب می‌گردد که نتایج حاصل از تخمین آن‌ها در ادامه ارائه شده است:

جدول (۵) برآورد الگوی دوم به وسیله مدل PSTR

متغیر	بخش خطی	بخش غیر خطی
WELFARE(1)	-۰.۱۹۲۸***	-۰.۱۸۲۰***
	(۰.۰۰۰۳۶)	(۰.۰۰۱۲۵)
Sport	-۰.۳۹۴۵***	-۰.۱۵۲۶**
	(۰.۰۰۰۰۱)	(۰.۰۰۱۲۲)
GDPPER	-۰.۱۳۳۶***	-۰.۲۵۲۶***
	(۰.۰۰۰۲۵)	(۰.۰۰۰۳۶)
INF	-۰.۱۳۳۶***	-۰.۱۶۲۶*
	(۰.۰۰۰۲۱)	(۰.۰۰۰۳۶)
GFSIZE	-۰.۰۹۵۶**	-۰.۱۷۵۳**
	(۰.۰۰۳۶۵)	(۰.۰۰۴۵۸)
EXR	-۰.۱۴۲۵**	-۰.۱۸۹۶***
	(۰.۰۰۰۰۱)	(۰.۰۰۰۳۶)
Constant	-۰.۰۴۸۰***	-۰.۰۴۸۰***
	(۰.۰۰۱۱۸)	(۰.۰۰۱۱۸)
Observations	۸۰	
F	۸۳۹	
C	۰.۴۴	
R-squared	۰.۶۹	
AdjR-squared	۰.۶۸	
Prob (F-statist)	۰/۰۰۰۰	
RSS	۱۴۰	

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول (۲) آزمون تجانس (همگنی) بین اعضای پانل

متغیر	آماره آزمون	احتمال
GDPper	-۲۰/۳۶	۰/۰۰۰۰
Sport	-۲۳/۳۶	۰/۰۰۰۰
INF	-۴۱/۳۶	۰/۰۰۰۰
Welfare	-۱۴/۲۶	۰/۰۰۰۰
EXR	-۲۵/۴۵	۰/۰۰۰۰
Oilrevenue	-۱۷/۹۵	۰/۰۰۰۰
Gsize	-۱۹/۷۵	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۲-۴. نتایج تخمین مدل با در نظر گرفتن متغیر Oilrevenue به عنوان متغیر آستانه‌ای

نتایج آزمون تشخیص در جدول (۳) نشان می‌دهد که خطی بودن مدل (فرض صفر) رد می‌شود؛ بنابراین رابطه غیر خطی درآمدهای نفتی در رابطه توسعه بخش ورزش با رفاه اجتماعی در کشورهای مورد بررسی وجود دارد و قاعدتاً برای برآورد پارامترهای مدل لازم است از روش PSTR استفاده شود.

جدول (۳) نتایج آزمون فرضیه خطی بودن مدل (آزمون BBC)

فرض صفر	آماره F	سطح معنی داری
آزمون والد	۱۱۷/۱۹	۰/۰۰۰۰
آزمون فیشر	۵۸/۳۱	۰/۰۰۰۰
آزمون LRT	۱۰۰/۱۰	۰/۰۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در نتیجه آزمون انجام شده در جدول (۳) نیز مشهود است با توجه به این که مقدار احتمال آماره F کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است، فرضیه H0 رد شده و فرضیه H1 مبنی بر وجود رابطه غیر خطی بین متغیرها تأیید می‌گردد.

با تأیید وجود رابطه غیر خطی میان متغیرها و کفایت نمودن یک تابع انتقال برای تصریح رفتار غیرخطی در ادامه باید حالت بهینه میان تابع انتقال با یک یا دو حد آستانه‌ای انتخاب گردد. در ادامه برای مشخص نمودن تعداد توابع انتقال، از آماره شوارتز استفاده شده است:

<sup>1</sup>. Parsimonious

وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. همچنین از آن جا که سطح احتمال آماره F سطح کمتری از سطح خطای ۵ درصد می‌باشد، مدل از لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

دیگر نتایج تحقیق نشان می‌دهد که:

- ضرایب برآوردی وقفه متغیر رفاه اجتماعی در مدلی که در آن شاخص درآمدهای نفتی بعنوان متغیر آستانه ای در نظر گرفته شده است در رژیم اول و دوم به ترتیب ۰/۱۹ و ۰/۱۸ است که حاکی از اثرگذاری مثبت وقفه متغیر رفاه اجتماعی با یک وقفه بر شاخص رفاه اجتماعی جاری کشورهای مورد بررسی در هر دو رژیم می‌باشد، اما میزان اثر در رژیم اول نسبت به رژیم دوم کمتر است و این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار می‌باشد.

- متغیر درآمد سرانه (GDPper) در رژیم اول اثر مثبت به میزان ۰/۱۲ درصد و در رژیم دوم اثر مثبت به میزان ۰/۲۵ درصد بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که نشان می‌دهد متغیر درآمد سرانه در هر دو رژیم بر رفاه اجتماعی اثر مثبت داشته اما میزان اثر آن در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر درآمد سرانه، متغیر رفاه اجتماعی در رژیم اول و رژیم دوم به ترتیب به میزان ۰/۱۲ و ۰/۲۵ درصد افزایش خواهد داشت که این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار می‌باشد.

- متغیر نرخ تورم (INF) در رژیم اول اثر منفی به میزان ۰/۱۲ درصد و در رژیم دوم اثر منفی به میزان ۰/۱۶ درصد بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که نشان می‌دهد متغیر نرخ تورم در هر دو رژیم بر رفاه اجتماعی اثر منفی داشته اما میزان اثر آن در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر نرخ تورم، متغیر رفاه اجتماعی در رژیم اول و رژیم دوم به ترتیب به میزان ۰/۱۲ و ۰/۱۶ درصد کاهش خواهد داشت که این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار می‌باشد.

طبق برآورد انجام شده در جدول (۵) در مدلی که در آن متغیر درآمدهای نفتی به عنوان متغیر آستانه ای در نظر گرفته شده است، مشاهده می‌شود که مقدار آستانه ای متغیر درآمدهای نفتی (Oilrevenue) برابر با ۰/۴۴ می‌باشد. که این حد نقطه انتقال تابع رفاه اجتماعی و شروع رژیم حدی دوم را نشان می‌دهد. بدین ترتیب زمانی که شاخص درآمدهای نفتی هنوز به مقدار ۰/۴۴ درصد نرسیده است، تابع رفاه اجتماعی در رژیم حدی اول قرار دارد و پس از رسیدن شاخص مذکور به مقدار ۰/۴۴ درصد، تابع رفاه اجتماعی در رژیم حدی دوم قرار می‌گیرد. به عبارتی رفاه اجتماعی با گذر شاخص درآمدهای نفتی از حد آستانه، تغییر رژیم می‌دهد.

پارامتر شیب نیز که بیانگر سرعت انتقال از رژیم اول به رژیم دوم است برابر با ۸/۳۹ بدست آمده است. همچنین نتایج جدول برای الگوی تحقیق حاکی از آن است که در رژیم اول و زمانی که درآمدهای نفتی (Oilrevenue) کمتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر درآمدهای نفتی اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۱۷ با احتمال ۰/۰۰۰۱ می‌باشد در حالی که در رژیم دوم و زمانی که متغیر درآمدهای نفتی بیشتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر درآمدهای نفتی اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۴۵ با احتمال ۰/۰۰۰۲ می‌باشد که نشان می‌دهد این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار است.

همچنین مشاهده می‌شود که در رژیم اول و زمانی که درآمدهای نفتی (Oilrevenue) کمتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر توسعه بخش ورزش اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۱۵ با احتمال ۰/۰۱۲۲ می‌باشد در حالی که در رژیم دوم و زمانی که متغیر درآمدهای نفتی بیشتر از ۰/۴۴ می‌باشد، متغیر توسعه بخش ورزش اثر مثبت بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که مقدار ضریب برابر با ۰/۳۹ با احتمال ۰/۰۰۰۱ می‌باشد که نشان می‌دهد این اثرگذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار است و میزان اثرگذاری در رژیم دوم بزرگ تر از رژیم اول است.

در رابطه با پارامترهای گزارش شده در انتهای جدول نیز مشاهده می‌شود که مقدار آماره R2 برابر با ۰/۶۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد ۶۹ درصد تغییرات متغیر

جدول (۶) نتایج آزمون عدم وجود رابطه غیرخطی در پسماندها و ثبات پارامترها

نوع آزمون	آماره	احتمال	نتیجه آزمون
آزمون عدم وجود رابطه غیرخطی در پسماندها	۱۹۳۶۵ ۱	۰/۳۰۲۵	رابطه غیرخطی در پسماندها باقی نمانده است
آزمون ثبات پارامترها	۷/۳۶	*** ۰/۰۰۰۰	پارامترهای برآوردی دارای ثبات هستند
***، ** و * به ترتیب بیانگر معنی دار بودن متغیر در سطح ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ است.			

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول (۶) با توجه به این که سطح احتمال در آزمون عدم وجود رابطه غیر خطی در پسماندها بیشتر از سطح خطای ۰/۰۱، ۰/۰۵ و ۰/۱۰ است، فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود رابطه غیرخطی در پسماندها را نمی‌توان رد کرد. از طرفی احتمال آماره F آزمون ثبات پارامترها کمتر از سطح خطای ۰/۰۱، ۰/۰۵ و ۰/۱۰ بوده که حاکی از رد شدن فرضیه صفر مبنی بر عدم ثبات پارامترهای الگوها می‌باشد. بدین ترتیب الگو به درستی برآورد شده و نتایج آن قابل اعتماد است.

#### ۵. نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش به روش PSTR نشان داد که توسعه بخش ورزش در هر دو رژیم اثرات مثبت و معناداری بر رفاه اجتماعی در کشورهای مورد بررسی دارد، به‌ویژه در رژیم دوم که درآمدهای نفتی بالاتر از مقدار آستانه‌ای خود هستند، میزان تأثیرگذاری بیشتر است. در این زمینه استدلال می‌شود که تأثیر توسعه بخش ورزش بر رفاه کشورهای در حال توسعه قابل چشم‌پوشی نیست. توسعه بخش ورزش راهی منحصر به فرد برای پرداختن به عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، از جمله انزوای اجتماعی، نابرابری‌های اقتصادی و دسترسی محدود به مراقبت‌های بهداشتی است.

ورزش با تقویت ارتباطات اجتماعی، ترویج فعالیت بدنی، و ارائه حمایت‌های روانی و اجتماعی می‌تواند کیفیت زندگی افراد و رفاه اجتماعی را در این جوامع به‌طور چشمگیری بهبود بخشد. این مطالعه با هدف گسترش شواهد مربوط به نقش توسعه بخش ورزش در

- متغیر نرخ ارز (EXR) در رژیم اول اثر منفی به میزان ۰/۱۴ درصد و در رژیم دوم اثر منفی به میزان ۰/۱۸ درصد بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که نشان می‌دهد متغیر نرخ ارز در هر دو رژیم بر رفاه اجتماعی اثر منفی داشته اما میزان اثر آن در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر نرخ ارز، متغیر رفاه اجتماعی در رژیم اول و رژیم دوم به ترتیب به میزان ۰/۱۴ و ۰/۱۸ درصد کاهش خواهد داشت که این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار می‌باشد.

- متغیر اندازه دولت (GSize) در رژیم اول اثر مثبت به میزان ۰/۰۹ درصد و در رژیم دوم اثر مثبت به میزان ۰/۱۲ درصد بر متغیر رفاه اجتماعی داشته است که نشان می‌دهد متغیر اندازه دولت در هر دو رژیم بر رفاه اجتماعی اثر مثبت داشته اما میزان اثر آن در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. به طوری که به ازای یک درصد افزایش در متغیر اندازه دولت، متغیر رفاه اجتماعی در رژیم اول و رژیم دوم به ترتیب به میزان ۰/۰۹ و ۰/۱۲ درصد افزایش خواهد داشت که این اثر گذاری از لحاظ آماری در هر دو رژیم معنادار می‌باشد.

#### ۴-۵. نتایج آزمون‌های باقی نماندن رابطه خطی در اجزای خطا و ثبات پارامترها

در روش برآوردی رگرسیون انتقال ملایم لازم است از عدم وجود رابطه غیرخطی در اجزای خطای برآورد اطمینان حاصل شود. بدین منظور آزمون باقی نماندن رابطه خطی در اجزای خطا انجام می‌شود. فرضیه صفر این آزمون بر عدم وجود رابطه غیرخطی در اجزای خطا دلالت دارد. از طرفی پس از انجام برآورد به روش PSTR باید از ثبات پارامترهای برآوردی نیز اطمینان حاصل شود. بدین منظور آزمون ثبات پارامترها با فرضیه صفر عدم ثبات پارامترهای برآوردی انجام می‌شود. نتایج حاصل از آزمون‌های عدم وجود رابطه غیرخطی در پسماندها و ثبات پارامترها در جدول (۶) ارائه شده است.

بر اساس یافته‌های این بخش، پیشنهاد می‌شود که مطالعات آینده به جنبه‌های منفی بالقوه توسعه بخش ورزش، نظیر خطرات آسیب، تأثیر استرس رقابتی، و احتمال طرد شدن در محیط‌های ورزشی توجه کنند. درک این چالش‌ها و توسعه استراتژی‌هایی برای کاهش آن‌ها، جهت به حداکثر رساندن مزایای توسعه بخش ورزش برای همه افراد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

بر اساس یافته‌های این مطالعه، توصیه‌های کاربردی متعددی می‌توان برای ارتقای نقش توسعه بخش ورزش در ارتقای رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه نفتی ارائه کرد. اول، پیشنهاد می‌گردد دسترسی به امکانات و برنامه‌های ورزشی ضروری توسعه یابد. این شامل ارائه حمایت مالی به افرادی است که ممکن است از عهده هزینه‌های مشارکت در فعالیت‌های ورزشی برنایند. دوم پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های ورزشی مبتنی بر جامعه باید به گونه‌ای طراحی شوند که برای همه افراد، صرف نظر از پیشینه یا توانایی‌شان، فراگیر و پذیرا باشد. این را می‌توان با ترویج تنوع در تیم‌های ورزشی، ارائه آموزش برای مربیان در مورد شیوه‌های فراگیر، و ایجاد فضاهای امن که در آن افراد احساس ارزش و احترام کنند، به دست آورد. برنامه‌ها همچنین باید بر مزایای گسترده‌تر مشارکت ورزشی، فراتر از آمادگی جسمانی تمرکز کنند. این شامل گنجاندن حمایت از سلامت روان، فرصت‌های آموزشی و پیشرفت شغلی در برنامه‌های ورزشی است. به عنوان مثال، ارائه کارگاه‌های آموزشی در مورد مدیریت استرس، تغذیه و مهارت‌های رهبری می‌تواند تأثیر کلی مشارکت ورزشی بر رفاه افراد را افزایش دهد. دیگر یافته‌ها نشان داد درآمدهای نفتی دولت بر رفاه اقتصادی هر دو رژیم اثر مثبت و معنی‌داری داشته است به طوری که میزان اثر آن در رژیم دوم نسبت به رژیم اول بیشتر است. در این رابطه استدلال می‌شود که در برخی کشورهای نفتی با افزایش سرسام آور قیمت نفت به ازای هر بشکه، ممکن است مردم اثرات رفاهی محسوسی در وضعیت زندگی خود احساس نکنند و افزایش درآمدهای نفتی و صرف آن در بخش‌های اقتصادی که باید موجبات رضایت خاطر مردم را در این کشورها فراهم سازد، خود عاملی برای نارضایتی آن‌ها شود. از سوی دیگر، کاهش درآمدهای نفتی به دنبال کاهش قیمت آن موجب کاهش منابع مالی دولت‌های

ارتقای رفاه اجتماعی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه نفتی انجام شده است. با ترکیب بینش‌های مطالعات مختلف و بهره‌گیری از روش تحقیق کمی، این پژوهش در پی ارائه درک جامعی از مزایای توسعه بخش ورزش و مکانیسم‌هایی است که از طریق آن‌ها این مزایا تحقق می‌یابد. یافته‌ها بر اهمیت سرمایه‌گذاری مستمر در برنامه‌های ورزشی به‌عنوان ابزاری برای ارتقای سلامت و رفاه اجتماعی برای جمعیت‌های آسیب‌پذیر تأکید دارند.

نقش اقتصادی توسعه بخش ورزش در چند جهت اصلی برجسته می‌شود. نخست، اقدامات بهبود سلامت ورزشی به کاهش خسارات اقتصادی در تمامی حوزه‌های فعالیت شرکت‌ها کمک کرده و جایگزینی برای آسیب‌های اجتماعی است که تأثیر مخربی بر سیستم اقتصادی و رفاه اجتماعی دارند. دوم، فعالیت بدنی عاملی مهم در افزایش امید به زندگی و به‌تبع آن سن کار مؤثر افراد است. سوم، فرهنگ بدنی و ورزش از مؤلفه‌های اصلی در تربیت نیروی کار ماهر به‌شمار می‌روند و از این طریق موجب ارتقای رفاه اقتصادی می‌شوند. چهارم، فعالیت بدنی، ورزش، و گردشگری رویدادهای ورزشی به‌عنوان حوزه‌ای مهم از فعالیت‌های کارآفرینی مطرح است که از یک سو اشتغال در بخش‌های مختلف صنعت ورزش و گردشگری را افزایش داده و از سوی دیگر، درآمدهای مالیاتی این بخش‌ها به دولت اجازه می‌دهد که به‌طور مؤثر مشکلات اجتماعی جامعه را حل کرده و رفاه اجتماعی را بهبود بخشد.

یافته‌های این مطالعه نقش مهمی را که توسعه بخش ورزش در ارتقای رفاه اجتماعی در کشورهای در حال توسعه نفتی ایفا می‌کند، نشان می‌دهد. در این رابطه استدلال می‌شود که توسعه بخش ورزش می‌تواند رفاه اجتماعی را از طریق تعامل اجتماعی و افزایش عزت نفس افزایش دهد. این نتایج با یافته‌های بدست آمده توسط اتر همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۳)، ایم و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) و رضوان و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) همسو می‌باشد.

<sup>1</sup> Eather et al

<sup>2</sup> Eime et al

<sup>3</sup> Barbu Mihai Constantinrăzvan1, Burceageorgebogdan1, Dumitruroxana1, Popescu Marius Catalin1



- Research in Management, Economics, and Development. (in Persian)
2. Khanzadi, Azad; Manouchehri Tabar, Sepideh & Tighi, Sahar (2022). Examining the Effects of Fiscal Decentralization on the Level of Social Welfare in Iranian Provinces; Generalized Method of Moments Approach, Quarterly Journal of Econometric Modeling, Vol. 6, No. 2, pp. 33-63. (in Persian)
  3. Shirvani, Amir Reza; Fahim Devin, Hasan; Peymanizad, Hossein & Esmaeilzadeh Qandahari, Mohammad Reza (2023). Analysis of Factors Affecting the Improvement of Competitive Ability in Sports Manufacturing Companies, Innovation in Sports Management, No. 4, Vol. 2. (in Persian)
  4. Sedigh Mohammadi, Mir Farhad; Sarlak, Ahmad; Najafi Zadeh, Seyed Abbas & Hasanzadeh, Mohammad (2023). The Effects of Iran's Oil Sanctions on Household Welfare: A Dynamic Recursive General Equilibrium Approach, Scientific Research Quarterly of Quantitative Economics, Vol. 20, No. 1, pp. 139-194. (in Persian)
  5. Azizi Mehr, Khayyam (2022). Oil Revenues and Welfare Policies; Experience from Some Oil-Rich Countries, Quarterly Journal of Social Security, Vol. 18, No. 1, pp. 71-104. (in Persian)
  6. Mohammadi, Mahdiah & Sadeghi, Seyed Kamal (2022). Investigating the Impact of Natural Resource Abundance on Economic Growth in Selected Developing Countries, Considering the Role of Institutional Quality and Human Capital, Quarterly Journal of Economic Policies and Research, Vol. 1, No. 1. (in Persian)
  7. Medadi Nansa, Elahe; Ghafoori, Farzad; Shahlaei Bafri, Javad & Kashkar, Sara (2022). The Role of Professional Sports Development on Social Development Indicators in Iran, Sports Management Studies, No. 72, pp. 17-46. (in Persian)
  8. Vali Pouri, Farshad; Zarei Masouri, Samad & Fatres, Mohammad Hasan (2022). The Impact of Oil Price and Oil Revenue Fluctuations on Income Distribution in Iran, The First National Conference on the Application of Knowledge and Accounting Principles in Entrepreneurship and Businesses. (in Persian)
  8. Ahmed Atil and Kishwar Nawaz and Amine Lahiani and David Roubaud (2022) "Are natural resources a blessing or a curse for financial development in Pakistan? The importance of oil prices, economic growth and economic globalization", Resources Policy, Volume 67, August 2022, 101683.

رانتی، به تبع آن، کاهش سرمایه‌گذاری‌های مولد و زیربنایی و در نهایت، کاهش تولید، افزایش بیکاری و تورم میشود. از آنجایی که افزایش بیکاری و تورم به عنوان دو متغیر اصلی در تعیین شاخص فلاکت هر کشور نقش دارند، لذا می‌توان وجود رابطه نامتقارن بین درآمدهای نفتی، تورم و بیکاری را در قالب موضوعی متفاوت ولی با همان مبانی نظری دنبال نمود.

همچنین ممکن است به دلیل نبود سازوکارهای نهادی مناسب در کشورهای نفت‌خیز و دسترسی آسان‌تر طبقات ثروتمند به مراکز قدرت، رانت‌های ناشی از نفت میان اغنیا و فقرا به طور عادلانه توزیع نگشته و کاهش رفاه اقتصادی از این طریق نیز تشدید پیدا کند. علاوه بر این، از آنجا که اکتشاف منابع طبیعی به سرمایه انسانی زیادی نیاز ندارد، نیروی کار در کشورهای غنی به لحاظ منابع طبیعی، برای اشتغال در صنایع تولیدی سرمایه انسانی بر آمادگی لازم را پیدا نمی‌کنند. در نتیجه چنین اقتصادهایی ممکن است در مقایسه با سایر اقتصادها از نابرابری درآمدی برای دوره‌های طولانی‌تری رنج ببرند و در نتیجه رفاه اقتصادی آنها کاهش یابد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های بدست آمده توسط کمیجانی و همکاران (۱۳۹۱)، تنگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۴)، ناگمنی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۴)، حسین و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۳)؛ شارما و پاراماتی<sup>۴</sup> (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

با توجه به این که نتایج تحقیق نشان داد درآمدهای نفتی دولت بر رفاه اجتماعی در منتخبی از کشورهای صادرکننده نفت اثرات غیر خطی و مثبت داشته است، پیشنهاد می‌گردد کشورهای صادرکننده نفت همواره برای درآمدهای نفتی خود برنامه‌ریزی دقیق داشته باشد تا در هر حالت، افزایش این درآمدها منجر به افزایش رفاه اجتماعی کشور گردد.

#### منابع

1. Afshari, Zahra & Mazaheri, Paniz (2022). Investigating the Impact of Oil Rent on Income Inequality Distribution in Oil Exporting Countries, The 13th International Conference on

<sup>1</sup> Wei Teng

<sup>2</sup> Ngameni

<sup>3</sup> Hossain et al.

<sup>4</sup> Sharma and Paramati,

9. Auty, T., M. (1993). "Natural Resources: A Blessing or a Curse? The Role of Inequality". Discussion Paper 98. Center for Financial Management Studies.
10. Barbu Mihai Constantin<sup>1</sup>, Burceageorgebogdan<sup>1</sup>, Dumitruroxana<sup>1</sup>, Popescu Marius Catalin<sup>1</sup> (2023). The Contribution Of Sport To Economic And Social Development, *Studia Ubb Educatio Artis Gymn.*, Lxv, 1, 2023, Pp. 27 - 38 (Recommended Citation) Doi:10.24193/Subbeag. 65(1). 03.
11. Barbu, D., Stoica, D., Ciocănescu, D. (2022). How to design a model for approaching the methodical-scientific conception of training and competition in the football game. *Journal of Sport and Kinetic Movement*, 34(2), pp. 49-55.
12. Beacom A. (2013). Sport for Development and Peace: A Critical Sociology. *Sport in Society*. 2013; 17(2): 274-8. [DOI]
13. Chunlin Cai a, Ning Li (2023). The threshold effect of export sophistication on natural resources-trade diversification nexus, *Resources Policy*, Volume 86, Part A, October 2023, 104316.
14. D.O.Olayungbo (2021) "Effects of oil export revenue on economic growth in Nigeria: A time varying analysis of resource curse", *Resources Policy*, Volume 64, December 2019, 101469.
15. Deloitte. (2020). European football market worth €28.4 billion (£25.1bn) as Premier League clubs lead the way to record revenues. Retrieved from: <https://www2.deloitte.com/uk/en/pages/press-releases/articles/europeanfootball-market-worth-28-billion-euros-as-premier-league-clubs-lead-the-way-to-record-revenues.html>, accessed on 15.02.2020.
16. Eather N, Wade L, Pankowiak A, Eime R. (2023). The Impact of Sports Participation on Mental Health and Social Outcomes in Adults: A Systematic Review and the 'Mental Health Through Sport' Conceptual Model. *Systematic Reviews*. 2023;12(1). [PMID: 37344901] [PMCID: PMC10286465] [DOI]
17. Eime R, Young J, Harvey J, Charity M, Payne W. (2023). A Systematic Review of the Psychological and Social Benefits of Participation in Sport for Children and Adolescents: Informing Development of a Conceptual Model of Health Through Sport. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*. 2023; 10(1): 98. [PMID: 23945179] [PMCID: PMC3751802] [DOI]
18. Florea, D.L., Barbu, C.M., Barbu, M.C.R. (2024). A model of fans' reaction to resurrected brands of sport organisations. *International Journal of Sports Marketing and Sponsorship*, 19(2), pp. 127-146.
19. Gelb, L. (1998). "Natural Resource Dependence and the Accumulation of Physical and Human Capital in Latin America". *Journal of Resources Policy*, 37: 281-295.
20. Hughes D, Saw R, Perera NKP, Mooney M, Wallett A, Cooke J, et al. (2020). The Australian Institute of Sport Framework for Rebooting Sport in a COVID-19 Environment. *Journal of Science and Medicine in Sport*. 2020; 23(7): 639-63. [PMID: 32451268] [PMCID: PMC7200343] [DOI]
21. Jabir Ibrahim Mohammed a, Vera Ogeh Fiador b, Amin Karimu b c, Joshua Yindenaba Abor (2022). Ownership structure of oil revenues: Political institutions and financial markets in oil-producing countries, *Journal of Multinational Financial Management*, Volume 66, December 2022, 100760.
22. Jeanes R. (2024). A Mixed-Method Analysis of the Contribution of Informal Sport to Public Health in Australia. *Health Promotion International*. 2024;39(3). [PMID: 38809233] [PMCID: PMC11135211] [DOI]
23. Jenkin C, Eime R, Westerbeek H, Uffelen Jv. (2018). Sport for Adults Aged 50+ Years: Participation Benefits and Barriers. *Journal of Aging and Physical Activity*. 2018; 26(3): 363-71. [PMID: 28952860] [DOI]
24. Joseph Pasky Ngameni, Sylvain Bertelet Ngassam, Gildas Ngueuleweu Tiwang, Anatole Tchounga (2024). Natural resources and exports diversification in Cameroon: Does corruption matter?, *Research in Globalization*, Volume 6, June 2024, 100134.
25. Konow, James (2023) "Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories" *Journal of Economic Literature*, Vol. XLI (December 2023) pp. 1188–1239
26. Oliver Asiamah a, Samuel Kwaku Agyei b, Bossman Ahmed b, Ellen Animah Agyei (2022). Natural resource dependence and the Dutch disease: Evidence from Sub-Saharan Africa, *Resources Policy*, Volume 79, December 2022, 103042.
27. Oluwasegun B.Adekoya (2020) "Revisiting oil consumption-economic growth nexus: Resource-curse and scarcity tales", *Resources Policy*, Available online 27 October 2020, 101911.
28. Ramez Abubakr Belmar a, Hooi Hooi Lean a, Jeremy Clark (2023). The evolution of the natural resource curse thesis: A critical literature survey, *Resources Policy*, Volume 51, March 2023, Pages 123-134.
29. Sanjeet Singh a, Gagan Deep Sharma b, Magdalena Radulescu c d, Daniel Balsalobre-Lorente e f, Pooja Bansal (2023). Do natural resources impact economic growth: An investigation of P5 + 1 countries under

- sustainable management, *Geoscience Frontiers*, Available online 30 March 2023, 101595.
30. Selçuk Gemicioğlu a, Sinem Soyhan b, M. Şükrü Mollavelioğlu (2024). Do natural resources lead to a curse or blessing in terms of income inequality?, *Resources Policy*, Volume 88, January 2024, 104513.
  31. Shafic Suleman, Godfred Kwaku Ennin, Omowumi O. Iledare (2023). An empirical review of petroleum revenue management and distribution after a decade of oil production and export in Ghana, *The Extractive Industries and Society*, Volume 13, March 2023, 101228.
  32. Sherry E. (2020) (Re) engaging Marginalized Groups Through Sport: The Homeless World Cup. *International Review for the Sociology of Sport*. 2010; 45(1): 59-71. [DOI]
  33. Sitnikov, C.S., Bocean, C.G. (2023). Relationships among social and environmental responsibility and business, *Amfiteatru Economic*, 15(7s), pp. 759-768
  34. Stenner BJ, Buckley JD, Mosewich AD. (2020). Reasons Why Older Adults Play Sport: A Systematic Review. *Journal of Sport and Health Science*. 2020;9(6):530-41. [PMID: 33308804] [PMCID: PMC7749227] [DOI]
  35. Toffoletti K, Palmer C. (2016). New Approaches for Studies of Muslim Women and Sport. *International Review for the Sociology of Sport*. 2016; 52(2): 146-63. [DOI]
  36. Valerie Karstensen<sup>1</sup>, Oriana Piskorz-Ryń<sup>2</sup>, Wioleta Karna<sup>3</sup>, Angel Lee<sup>4</sup>, Xian Seng Neo<sup>5</sup>, Daniela Gottschlich (2024). The Role of Sports in Promoting Social Inclusion and Health in Marginalized Communities, *International Journal of Sport Studies for Health*, Vol. 7, No.3, 41-48.
  37. Veken KVd, Lauwerier E, Willems S. (2020). How Community Sport Programs May Improve the Health of Vulnerable Population Groups: A Program Theory. *International Journal for Equity in Health*. 2020;19(1). [PMID: 32448226] [PMCID: PMC7245920] [DOI]
  38. Wei Teng a, Suieiman O. Mamman b, Chengyou Xiao c, Shujaat Abbas (2024). Impact of natural resources on income equality in Gulf Cooperation Council: Evidence from machine learning approach, *Resources Policy*, Volume 88, January 2024, 104427.
  39. Xiaofang Xu a, Wanqing Yu b, Xingju Zhao c, Wei Xu (2023). Reassessing the linkage between natural resources and economic growth in China: Delving into the impacts of national resource taxes, renewable energy, financial advancements, and provincial fiscal expenditures, *Resources Policy*, Volume 86, Part A, October 2023, 104293.
  40. Yacouba Kassouri and Halil Altuntaş and Faik Bilgili (2020) “An investigation of the financial resource curse hypothesis in oil-exporting countries: The threshold effect of democratic accountability”, *Journal of Multinational Financial Management*, Vol. 56, September 2020, 100639.
  41. Yan Tan a, Utai Uprasen (2023). Asymmetric effects of oil price shocks on income inequality in ASEAN countries, *Energy Economics*, Volume 126, October 2023, 107033.
  42. Zhu M, Zhao Y. (2021). Research on the Health System of Community Sports Framework Based on Function Orientation. *Revista Brasileira De Medicina Do Esporte*. 2021; 27(5):472-5. [DOI]